

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام  
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل‌المتین)

(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر ادارا آقا شیخ یحیی کاشانی

پیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومیه

# جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ فران  
سایر بلاد داخله ۴۵ فران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

شعبه ۳۰ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۲ مرداد ماه جلالی ۱۰۸۲۹ و ۱۰ اوت ۱۹۰۷ میلادی

رفع اشتباه

(راجع بشماره ۸۳)

ثانیا جناب شیخ مینویسد (نام آن حکمرانی بدخواه  
بزیان این زمان سلطنت استبدادیه است و نام این حکمرانی  
قرار دانی سلطنت مشروطه و نام قرار دهنده کان و کلا  
یا بیعوتین است . . . الی آخر ) این نیز اشتباه صرف  
و بیخبری از اوضاع و اطالعات سیامیه است هر مملکتی  
که قانون دانسته باشد آنرا مشروطه نمیگویند توضیح  
مطلب آنکه مملکتی که قانون دارد و اعمال وزراء  
وسایر طبقات از روی قانون است مملکت مقننه گویند  
والا مملکت بیقانون و هرج و مرج مینامند - مملکت  
قانونی نیز بدو قسم است یکی آنکه قوت تشریح و تنفیذ  
یا باصلاح دیگر قوه مقننه و مجریه در یک قطه جمع  
شود و بدست یک نفر یا جمعی باشد که هم خود قانون  
جمل کرده و هم خود بموقع اجراء بگذرانند آنرا دولت  
مستبده میگویند زیرا که اختیار جان و مال مردم در دست  
یک نفر است هر جور میخواهند قانون وضع کرده و در  
هر موقع هر نوع تغییری بخواهند میدهند خود ملت  
اختیار و اراده ندارند قدرت درک دولتیان است چنانکه  
در مملکت عثمانی است مگر در آن ملک قانون نیست .  
چرا پس بچه جهت آن را مستبده میگویند ؟ بان سبب  
که ملت را حق مداخله و رای دادن و وضع قانون نیست  
دولتیان خودشان قانون مینویسند و اجراء میکنند و هر  
زمانیکه نفع شان اقتضاء نکرد فوراً قانون را تغییر  
میدهند و بشکل دیگر در میاورند اراده سلیه نیز مطلقاً  
بر قانون مقدم است - خلاصه استبداد بافتق اهل دانش

منحصر بمملکت بیقانون نیست هر مملکتی که زمام  
اختیار در ید قدرت چندتن خود خواہ باشد آن را مملکت  
و دولت استبدادی میگویند - البته همه کس شنیده است  
که دولت روسیه از عهد بطرکبیر قانونی شده است و  
هیچ کار و شغل بی قانون نبوده و نیست لکن اینهمه  
هیاهو و عورش و قتل و غارت و خون ریزی و انقلاب  
برای مشروطیت بود یعنی ملت میخواستند اختیار قانون  
با خودشان باشد تا از جانب خود و کلاء انتخاب نموده  
مجلس دو ما تشکیل دهند والا اگر چنان باشد که  
جناب شیخ میفرمایند دیگر احتیاج باینهمه دردسر نبود  
روسیه قانون مدون داشت -  
دیگری آنکه قوه وضع و تدوین قانون با یک طایفه  
وقوه اجراء قانون با طایفه دیگری است آنرا مشروطه و  
کستی توسیئل میگویند در اینحال افراد ملت صاحب  
قدرت هستند و آزادند که هر چه را صلاح حال و باعث  
ترقی خود میدانند اتخاذ کنند - منتهی چون تمام افراد  
سی کرور نفس را امکان اجتماع و ککاش نیست جمعی  
که اطمینان بدرستی و امانت و کفایت شان دارند از میانه  
خود برگزیده مخارج آنانرا از جیب خود میدهند و  
شان این فرقه که و کلاء یا بیعوتان باشند آنستکه مطابق  
صلاح ملت خود قوانین وضع و تدوین کنند و بدولت  
بدهند تا در موقع اجراء بنهند و هر وقت ملت خواست  
میتواند و کلاء خود را تبدیل کند انجم را برداشته جمعی  
دیگری را در جای آنها بنشانند و ملت حق دارد در کار  
های و کلاء مراقبت کند باز خواست از افعال و اعمالشان  
بنماید زیرا که و کلاء بسمت نمایندگی و وکالت از طرف  
انها معرفی شده‌اند و موکل همواره حق نظر در امر

وکیل خویش  
مثل آستکه خود  
موکل را دارد  
شریفه ( کتم -  
وتنهون عن السته  
هلت شرافت  
بر سایر مال  
معرووی را خود  
محتاج بولی  
میکند بلی یک  
شدن یعنی بحد  
مری کاملی  
و کایات قوانین  
رشد میرسد  
یک فرق  
هست که در  
رفقار کنند یا  
در حضور یا  
کسی را نصب  
مشروطیت وز  
و مجلس بیعوت  
تصدیق کنند  
دارد یکی آنکه  
صحه میگذارد  
در ترد پارلمان  
یکی دیگر آنکه  
کار آنهاست  
تشکیل میدهد  
بهر حال  
و خود سرانه  
یا مخالف  
بواسطه قدرت  
اول از اصطلاح  
بباید ایراد  
میافتد و باعث  
بلکه مرقوم فر  
قانونی دوائر  
اصول و قوانین  
انحصار داشت  
قوانین  
دوائر دولتی  
باشند زیرا که



وکیل خویش دارد — وقتی که وکلاء حکمی کردند مثل آنستکه خود مات کرده باشد زیرا که وکیل حکم موکل را دارد و این معنی موافق است با مضمون آیه هریفه ( کتم خیراته اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتمنون عن المنکر ) زیرا که صریح معنی آیه مبارکه اینستکه هکت هرافت این است مرحومه که بهترین امتها است بر سایر مال و امم آنستکه اختیار در کف خود آنهاست معرووف را خود امر میکند منکر را خود نهی مینماید محتاج بولی و قیم نیستند خودشان بامور خود اقدام میکنند بلی یک ملت باید قابلیت پیدا کند برای مشروطه شدن یعنی بعد رشد و عقل برسد و دین اسلام یک مربی کاملی است که هر کس بان متدین و معتقد شود و کلیات قوانین اسلام را یاد بگیرد قابل میشود و بعد رشد میرسد —

یک فرق دیگری نیز بین دولت مستبده و مشروطه هست که در دوره استبداد وزراء خواه بر طبق قانون رفتار کنند یا نکنند ملت حق ایراد بر آنها ندارد و تنها در حضور پادشاه مسئولند و پادشاه میتواند بدون لیاقت کسی را نصب و بدون گناه عزل کند ولی در دوره مشروطیت وزراء در نزد ملت یعنی در محضر وکلاء ملت و مجلس مبعوثان مسئولند صحت عمل آنها را باید وکلاء تصدیق کنند و با آنها اطمینان داشته باشند و آن نیز چند قسم دارد یکی آنکه خود پارلمان وزراء را انتخاب کرده و پادشاه صحه میگذارد و پارلمان مسئول صحت عمل آنهاست و آنها در نزد پارلمان مسئولند چنانکه در انگلستان معمول است یکی دیگر آنکه رئیس دولت انتخاب میکند و خودش هم مسئول کار آنهاست مثل فرانسه که رئیس جمهور کابینه وزراء را تشکیل میدهد —

بهر حال در دولت مشروطه وزراء مسئول هستند و خود سرانه نمیتوانند رفتار کنند خواه مطابق قانون باشد یا مخالف — حالا خوب است جناب شیخ که میخواهند بواسطه قدرت قلم وضع یک مملکتی را تغییر دهند اول از اصطلاح مسبق شده معنی مشروطه و مستبد را فهمیده بعد ایراد کنند زیرا که مرقومات ایشان بدست مردم میافتد و باعث سلب عقیده مردم بعلوم ایشان میگردد — بلکه مرقوم فرموده اند ( عنوان سخن و مبدع مذاکرات بی قانونی دوائر دولتی بود حاجت ما مردم ایران هم بوضع اصول و قوانین در وظائف درباری و معاملات دیوانی انحصار داشت الی آخر . . )

از این بیان معلوم میشود که جناب شیخ میخواهند دوائر دولتی در تحت قانون باشند ولی ملت قانون نداشته باشند زیرا که صریح میگوید که حاجت ما بوضع قوانین

در باری انحصار داشت لکن جناب ایشان باید بدانند که این تفکیک یکی غلط و بی ماخذ است زیرا که وکلاء و نمایندگان ملت انتخاب میکنند و حقوق میدهند و سببه نجات آنها را فراهم آورده قوانینی که مایه راحت آنها باشد مرتب و مدون کنند و دولت نیز فی الحقیقه جزئی از ملت است و آدمی علیحده نیست و اموردیوانی هم فی الواقع راجع بخدمت است — علاوه همان قوانین دیوانی که بقول جناب شیخ تنها منظور بود از برای تمام ملت کافی است مثلا یکی از ادارات وزارت عدلیه است وقتی کفایت اقدامات وزارت عدلیه باید از روی یک قانون مدون باشد معنی این حرف اینست که دزد را از روی قانون مجازات کنند در مراعات و مشاجرات بر طبق قانون عمل کند و بمیل شخصی رفتار ننماید عین همین قانون راجع بملک است زیرا که محاکمات عدلیه یا راجع بجنحه و جنایت است یا بشارف و آبرو یا بمال و ثروت و معاملات و طرف همه اینکار غیر از افراد ملت کسی دیگر نیست پس قانون عدلیه که رسماً قانون دیوانی است رسماً قانون راجع بملت است و ما دیگر قانونی علیحده نداریم که طرف آن ملت تنها باشد و دخای بدولت نداشته باشد و قانون مملکت عبارت است از قوانین ادارات دولتی و قوانین وزارتخانهها آخر هر عاقل بانند دقت میفهمد که وقتی نوشتند تکلیف عدلیه آنستکه دزد را دست ببرد معنی این کلمه آنستکه قانون در ماده دزد که یکی از افراد ملت است همان دست بردن است پس این قانون هم مال دولت است و هم مال ملت و همچنین اگر نوشتند وزیر مالیه باید از قرار ده یک از محصول مالیات بگیرد معنی اش آنست که ملت باید از محصولات خود ده یک بپردازند پس از یکطرف راجع بوزیر است و از یکطرف بر عیت و ملت بقیه دارد

#### ( تاسف بر غفلت اولیای امور )

بدون ملاحظاتی شخصی و منازعات خانگی بایک جوش سرشار و سروش حق کوئی قبله خطبات اولاد ایران مخصوص لای ترقی طلب و زرای بزرگ و دستوران متربك دولت ابد مدت علیه ایران است و نصیب سایر طبقات اهالی وطن عزیز نیست و زبان اعتراض و خیال کنج کاوی از شرح ذیل مندرج است زیرا بتمام معتقدات امم عالم قسم میخورم که در جلب خیر نوع با تمام افراد اهالی وطن طرف و در اشراض شخصی خود را از کینه اصناف وطن عزیز بیطرف میدانم و با صد هزار زبان عجز و بی طرفی التماس میکنم نقل بفرمائید که کلام حق مظهر حقاقت هر که گوید حق ن گفته کائنات



آنچه بر بعضی فدائیان ترقی و وطن بیک رابطه نورانی پوشیده است اینست که مرحب نهادهای مریحه بسیار روشن که در محضر اولیای فداکاران ترقی و وطن در خارج بمن آمده و نیز توصیه که از بعضی مقامات عالیه بمساع و حشمت زدگان وطن رسیده و خاطر ریمده کان را آرامی و امیدواری بخشیده حق امید کلی داشتیم که بعد از آن همه سیر معجزات ترقی دنیا اولاً مسافرات و منافرات شخصی را مداخله در امر قلم کل نداده و حرکات سابقه را سر مشق وزارت امروزی خود نفرمایند و این ایران تازه را مقایسه بایران دوره تفاوت نکنند سهل است برعکس روزگار سیاه سختی از شدت ظهور بی غرضی و بروز قابلیت امروزی خود کنایان مجبوره و یا خود سرانه خود را در صد جبران برآیند و جلب قلوب علمه را اول فریضه معصومیت و نیک نای آئینه خود بدانند و بر اتحاد برادران محنت زده و وطن بصراحت قطعیه حالی کنند که آنهمه بیابان کردی و دریانوردی و انلا فثروت و وطن در ممالک خارجه بی اثر و ثمر نبوده است و ثمرات ان اینست ماها وزرا هم میخواهیم مانند کلبه اقوام عالم کدورات شخصی خود را در امر عمومی مداخله ندهیم و در انتظام امور نوعیه مثل سایر وزرای بسا شرفی ترقی خواه بهمدیگر دست برادری و برابری بدهیم و اغتشاشات تکت آور قدیمه را از داخلی مملکت رفع فرمائیم — از انجمله هر یک از وزرا که در انتظام و حفظ انتظام امور اداره خود جهد واهی دارد با او مراقبت و معاونت بکنیم و حقوق مجاهده او را ضایع نکنیم — و نیز هر کس در اصلاح امور کلیه مساعله و ملاحظه دارد و یا ممرضانه خیال خام میزند از او کناره بجوئیم — و او را محزب دنیا و مغل آسایش بشری بدانیم — و این رعایت رکن اعظم ترقی و وطن را که بزبان علمی امتیاز فضلی میگویند بر ذمت و غیرت دولتخواهی خود فرض محتجم قرار بدهیم — تبدیلات و تغییرات بیجهت را در باره اولیای امور ممضی و روا نشماریم بلکه منافی پیشرفت امور کلیه بقمیم — تاریخس هر اداره بواسطه ایجاد اوه اطمینان در دوام خود بتواند بیشتر در نظام دستگیر اداره خود سعی کند نواص داخلی و خارجی اداره خود را رفع نماید ( حالاً هم همانطور است ) از حفظ شرایط تهدد کسی کناره نجسته و تقض عهد را احدی بر خود رواندیده — پس مقصود از این زاری و بیقراری چیست باز مقصود اصلی و محراب ضمیر اولاد ایران همان قلب حقیقت طلب و وزرای فرشته خصال و لطرت نیکو سرشته کارکنان فرخنده مال است که با چندین گرو ادب محض یاد آوری عرض میسکنم

( که ای سیم بر سمن بنا کوش ) ( وی رهزن عقل و افت هوش ) ( آنهد که بانو بسته بودند ) ( یاد است مرا تورا فراموش ) حیلی زود بود که از آنهمه ترتیبات قانون ترقی معجز نمای دنیای خود صرف نظر فرمائید و بر خود رعایت شرایط نجات بخش عالم عادات سابقه را مجددا در این خاک غم زده معمول نمائید — از جمله رعایت شرایط ترقی یکی اینست — هر وزیریکه بتواند از عهده نظم و ترتیب اداره مرجوعه بخود برآید نباید اسباب اختلال استقلال او یا تغییر او بشوند سهل است عمارت زندگی دولتی را بسته بشوق و همراهی او بداندت تاسیر وزارت خانها نیز از حسن روش آن وزیر کالی سر مشق گرفته در اصلاح امور اداره خود برآیند — رفته رفته این بنای رحمانی در ایران سر و صورت ترقی پذیری پیدا کند چنانکه در میان وزرای مسئول کسیکه خود را حقیقتاً مسئول تصحیح اعمال اداره خود میدانند و در کمال جد توجه در امور بندکان خدا دارد و بر ضد سعادت بخت دیگران از کرد های سابقه خود و اسلاف خود پشیمان است و ما ملت محنت زده بمذلول نظامنامه قانون رفتار میکند و قانون را زور سر بنجه عدالی میدانند وزیر عدلیه امروزه دولت علیه ایران است — حالا دیگر چرا بزرگان قوم که در واقع در انتظار خلاق خود را قفله سالار ترقی و نمود میکنند باید ملاحظات خیلی پست که نگارنده از توضیح آن عار دارد نرمک در باطن خواهند این اساس استقلال دولتی را نقدا بکف قابلیت یک نفر برد با استحکام و آرایش است منهدم فرمائید — و این امید زندگی را از تمام افراد وطن سلب کنند و دو باره نهال یاس و ناامیدی را در ضمیر عمومی غرس نمایند و فلاح عامه را بتاخیر بیندازند و هرج و مرج ادارات را طراوت و رونق جوانی بخشند و مناقشات و منازعات را تجدید فرمایند و دست و دل کارکنان دولتی را سرد کنند — و عمر کرانمایه را در راه بروز غرض تلف گردانند و بهمین دست آوز ایجاد عدم اطمینان وزرای مسئول را از مسئولیت خارج سازند باری خوب است کلاه نیم قازی خود را فاضی نموده بایبخیبران امور سلطنت مشورت نکنند و با منحوسان مانوس نشوند و تا اوه و غیرت دارند بازار اطمینان را در داخلی مملکت رواج بدهند و بتوسط اطمینان بصحت عمل خود خزاین پول در ایران ایجاد فرمائند و بواسطه ایجاد پول دولت و ملت و ضابطت را از فقر و مسکت و ذلت و فلاکت نجات بخشند و در عوض تغییر و تبدیل رواسای بی تخصیر از وزارت خانها درستی عمل و انتظام اداره بخواهند خصومت های بی مصرف طفلانه را بیک سونهاد غفلت خود را مجتمع کرده ملت

سیاه روز  
ولجن بد  
نشینی تو

وقایع  
بروکسل پا  
روز نامه  
قرار ذیل  
مسئول

وزیر سابق  
رسید —  
نامه میباید  
که قوای  
شخص ساد  
افتاده است  
ولی تنگی  
در ایران  
فهمیده اند

مسئول نوز  
قدر نمک  
آورده است  
اینهمه نعمت  
طلب نام  
جلوه دهد  
نمیدانیم

مسکن دارند  
نموده اند  
مساعدت بام  
حکایت میکند  
مقدس تصور  
داشتیم پس  
خوب است  
ایشان نوشته  
قدر عزیز

حبل المتین  
در طوالت  
را تلکرافا  
ملی خبر داد



سیاه روزکار را از پستی و خاری و از اینهمه در پای مذک و لجن بد بختی برهاند دیگر بیش از این کدای کوشه نشینی نو حافظا مخروش حرره اولاد ایران ۲۷۳ نمک بحرامی

و فایع نکار روز نامه ( نیورک هرالد ) در بروکسل پایتخت بلجیک تلگرافی بروز نامه خود کرده روز نامه مزبور منتشر نموده است که ترجمه آن از فرار ذیل است

میو نوز و ایران - روز پنجشنبه - میونوز وزیر سابق کمراکات ایران در اینموقع به بروکسل رسید - میگوید ایران در اغتشاش داخله و آنارشی نامه مییابد ( آنارشی مملکتی هرج و مرج رامیکویند که قوای سلطنتی ان نهایت ضعیف شده باشد ) اقدار شخص سلطان بکلی محو شده و در دست شورشیان افتاده است و منتظر وقت است که شروع با اقدامات کند ولی تنگی پول مانع است - و نیز میگوید که بلژیکها در ایران ایدا در خطر نمی باشند زیرا که ایرانیها فهمیده اند که بدون خدمات آنها کارشان پیش نخواهد رفت

— ( جبل المتین ) —

میو نوز بعد از سالها که بنمت پادشاه متهم بود خوب قدر نمک را شناخته و حقوق ولی نعمت خود را بجا آورده است ! واقعا معنی انسانیت همین است که در راه اینهمه نعمات بایرانیان تهمت بزنند و آنها را شورش طلب نام برده پادشاه و الا جاه را این طور در انظار جلوه دهد خداوندش جزای خیر دهد

نمیدانیم این شورشیان که نام برده کیانند و در کجا مسکن دارند و کدام اقدام را بر ضد ولینمت خود نموده اند و اعلیحضرت اقدس شهریار ی را با انهمه مساعدت با مشروطیت که شمه از آنها دستخط روز جشن حکایت میکند بچه ذلیل میو نوز مخالف با این اساس مقدس تصور کرده است ؟ و اگر بلژیکها را مالازم داشتیم پس چرا خود ایشان را گذاردیم تشریف ببرند خوب است جرائد مجلس را که در موقع عزل ایشان نوشته شده مطالعه کنند تا ملتفت شوند بلژیکها چه قدر عزیز هستند

— تلگراف مخصوص اداره —

— ( از انزلی به طهران ) —

جبل المتین بموجب اخبارات واصله صحیحه ارفع السلطنه در طوائش مشغول قتل و غارت مجاهدین انزلی مراتب را تلگرافا توسط قهی زاده و وکیل التجار به شورای ملی خبر دادند ( ابوزر )

( ایضا - از عراق طهران )

اداره آزاد مقدس جبل المتین نمره هفتاد و نهم زیارت اول الساعه از تجار عراق یا شخص موثق که سراغ دارید استفسار فرمائید شش روز است بلیط انتخابات منتشر و تا سه شنبه انتخابات بعمل نخواهد آمد ثانیاً مستدعی است از مهاجرین از انجمن تدین که در خاله جناب امام جمعه انجمن کرده اند تحقیق که جهت مهاجرت چه بوده ( تاسیه روی شود هر که در او غش باشد ) سه روز است عده از تجار محترم و آقایان معظم نوع بروز وطن دوست در خیال تشکیل انجمن تمدن هستند مقصود جز اشاعه معارف و تاسیس بعضی مدارس و شرکت و آوردن بعضی کارخانه جات ندارند تفصیل بایست منتظر ارجاع خدمات خادم وطن عبد العظیم الحسینی

( جبل المتین )

بعد از تحقیق و تفتیش کامل هر چه بثبوت رسید و محقق شد بمرض میرسانیم فعلا از تشکیل انجمن تمدن متشکر و ممنونیم خداوند موسسین را توفیق و تأیید کند

تلگرافات خارجه

تلگراف واصله از طنجه مشعر است بر اینکه عسا کر سلطان مراکش بدهات و قصبات حدود ۵۵ مس حمله برده و پس از مدتی جنگ فتح کاملی نمودند بسیاری از آنها را بقتل رسانده و بقیه و قراء را طعمه آتش نموده و آنچه میتواند بگارت بردند

تلگرافی از مسکو رسیده که بعد از ورود برنس و رفرز بانجانجار و تبمه ایتالیائی که در مسکو اقامت دارند با احترام مغزی الیه که از شاهزادگان ایتالیا و در طرف ۴۷ روز از یکن نام مسکو سیر نموده جشن و پذیرائی فراهم آورند

بنا بر اطلاعات واصله از پترزبورگ قرارنامه تجارتی بین دولین ژاپون و روس و همچنین مقاله نامه در خصوص صید ماهی با مضار رسید است

از لندن ۲۹ ژویه شرکاء کار خانجات صاون سازی که صاحبان چند روزنامه را در دیوان محاکمه حاضر کرده و ادعای حقوق نمودند اظهار میدارند که محاکمه آنها ختم و مسئله قطع گردید مبلغ کزافی باسم رفع خسارت بانها داده شده متجاوز از پنجاه هزار لیر است روزنامه جات مذکوره مقالاتی مبنی بر مذبذرت خواهند نمود

( اصلاح غلط )

در شماره ۸۵ در اعلان راجع به پیدا شدن ساعت طلا امضاء صاحب اعلان اشتباه مشیر السلطنه نوشته شده باید ( مشیر السلطنه ) نوعته شود

حسن الحسینی الکاهانی